



# سامیکان نهور

فصلنامه فرهنگی اجتماعی کانون مهدویت  
دانشگاه شیراز  
سال چهارم / شماره ۱۵ / پاییز ۱۴۰۲



صاحب امتیاز:

کانون مہدویت دانشگاہ  
شیراز

مدیر مسئول:

نرجس کیانیان زاد

سر دبیر:

مریم اقتداری

هیئت تحریریه:

نرجس کیانیان

زاد، مریم اقتداری،

حسین رحمانی پیروز،

فاطمہ جاوید، عاطفہ

عمیقی زاده، فرشاد

حسینی، زہرا شمشیری،

رضا اعتماد پور، دکتر

محمد مرادی، پریا

رحیمی، پیمان ذفیعی

استاد مشاور:

دکتر غلامرضا کافی

طراح و صفحه آرا:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# فهرست



۶	سخن سردبیر
۷	صلح جهانی بعد از ظهور
۹	ویژگی‌های متعالی حضرت زینب (س)
۱۸	جایگاه و نقش زن در جامعه مهدوی
۲۰	نقش زنان مسلمان در وقایع مهم تاریخ
۲۲	سیمای مهدوی در اشعار شاعران
۲۷	دلنوشته
۲۸	اشعار
۳۲	مصاحبه
۳۵	از کانون چه خبر؟

تقدیم به آستان مقدس حضرت بقیه  
الله الاعظم ارواحنا له الفدا



الهدى للولاء الفرج

## سخن سردبیر

مریم اقتداری، دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

بسم رب المهدی

کلمه «سامیه» یعنی بلندمرتبه و از القاب حضرت زینب است.

همه انسان‌ها در برابر امام عصر خود مسئول هستند و برای زمینه سازی ظهور آن حضرت وظایفی را بر عهده دارند. زنان علاوه بر نقش عمومی که همه انسان‌ها عهده دار هستند، می‌توانند در مواردی به طور خاص ایفای نقش نموده و زمینه های ظهور را فراهم نمایند و این مسئله، اهمیت نقش زنان را در زمینه سازی ظهور روشن می‌نماید.

زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منتظران راستینی هستند که در انتظار حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف روز شماری می‌کنند و در این زمینه، جنسیت معنایی ندارد؛ تنها تفاوت، به چگونگی کارایی هر یک از مردان و زنان برمی‌گردد.

زنان به منزله جزئی از اجتماع باید علاوه بر نقش فردی به نقش اجتماعی هم خود نیز توجه داشته باشند و خود را از اجتماع برکنار ندانند؛ چرا که دین برای انسان هویت جمعی قائل است.

با توجه به شرایط به وجود آمده نهایت تلاش خود را کرده‌ایم تا شماره پانزدهم نشریه موعود را با موضوع «سامیگان ظهور» به ساحت مقدس امام زمان (عج) تقدیم کنیم. امید است این تلاش مورد توجه و عنایت امام عصر (عج) قرار گیرد. **إن شاء الله.**



## صلح جهانی بعد از ظهور

رضا اعتماد پور، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شیراز

### اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان (عج)

در روایات اسلامی، اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان (عج) به تصویری از تاریکی و ناامیدی ترسیم شده است. در این دوران، ظلم و ستم بر مردم حکمفرما می‌شود و فساد و بی‌عدالتی به اوج خود می‌رسد. مردم در فقر و ناداری به سر می‌برند و امید به آینده ندارند. در این دوران، فتنه‌های فراوانی برپا می‌شود و مردم گرفتار جنگ و خونریزی می‌شوند. صلح و آرامش جای خود را به خشونت و ناامنی می‌دهد.

در این دوران، علم و دانش به فراموشی سپرده می‌شود و جهل و نادانی بر جامعه حاکم می‌شود. مردم از حقیقت دور می‌افتند و به خرافه و اوهام روی می‌آورند.

در این دوران، ایمان مردم به خدا و دین کمرنگ می‌شود و کفر و شرک رواج می‌یابد. مردم از یاد خدا غافل می‌شوند و به مادیات روی می‌آورند.

### اوضاع جهان در عصر حاضر

جهان امروز، به رغم پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، هنوز در بسیاری از زمینه‌ها با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند. ظلم و ستم، فقر و ناداری، جنگ و خونریزی، ناامنی، جهل و نادانی، ایمان کمرنگ و کفر و شرک، از جمله مشکلاتی هستند که جهان امروز را درگیر خود کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که جهان امروز، در حال نزدیک شدن به شرایطی است که در روایات اسلامی برای دوران قبل از ظهور امام زمان (عج) ترسیم شده است.

### آینده جهان

با توجه به روایات اسلامی، ظهور امام زمان (عج) پایان دوران ظلم و ستم و آغاز دوران عدل و داد خواهد بود. در دوران ظهور، جهان پر از صلح و آرامش، علم و دانش، ایمان و معنویت

بر اساس روایات اسلامی، صلح جهانی بعد از ظهور امام زمان (عج) یک صلح واقعی و پایدار خواهد بود که بر اساس عدالت و معنویت بنا شده است. در این صلح، همه انسان‌ها، صرف نظر از نژاد، دین، ملیت، یا طبقه اجتماعی، با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی خواهند کرد.

عوامل مختلفی در تحقق صلح جهانی بعد از ظهور نقش خواهند داشت. یکی از مهم‌ترین این عوامل، وجود امام زمان (عج) به عنوان یک رهبر عادل و مقتدر است. امام زمان (عج) با حکمت و عدالت خود، زمینه‌های صلح و آرامش را در جهان فراهم خواهند کرد.

عامل دیگر، ایمان و اعتقاد انسان‌ها به امام زمان (عج) است. وقتی مردم به امام زمان (عج) ایمان بیاورند، حاضر خواهند شد برای برقراری صلح و عدالت با یکدیگر همکاری کنند.

علاوه بر این، عدالت و معنویت نیز از عوامل مهم تحقق صلح جهانی هستند. در حکومت امام زمان (عج)، عدالت و معنویت به طور کامل اجرا خواهد شد. این امر باعث خواهد شد که همه انسان‌ها از حقوق خود برخوردار باشند و در سایه عدل و صلح زندگی کنند.

در روایات اسلامی، به برخی از ویژگی‌های صلح جهانی بعد از ظهور اشاره شده است. به عنوان مثال، در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است «در زمان ظهور قائم، صلح و امنیت در جهان برقرار می‌شود. حتی حیوانات نیز با یکدیگر صلح می‌کنند.»

در روایت دیگری از امام علی (ع) آمده است: «در زمان ظهور قائم، زمین از عدل و داد پر می‌شود.» بنابراین، می‌توان گفت که صلح جهانی بعد از ظهور یک صلح واقعی و پایدار خواهد بود که بر اساس عدالت و معنویت بنا شده است. این صلح باعث خواهد شد که همه انسان‌ها در صلح و آرامش زندگی کنند و از نعمت‌های الهی بهره‌مند شوند.

## ویژگی های متعالی حضرت زینب (س) و عصر ظهور

نرجس کیانیان راد، دانشجوی کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

### چکیده

حضرت زینب (س) یکی از بانوان برگزیده و بزرگوار در دنیای اسلام و جهان است. ایشان در عین لطافت و زنانگی، ویژگی های والا و تحسین برانگیزی داشته اند و الگوی خوبی برای بانوان عصر ظهور حضرت مهدی (عج) هستند. بنابراین با توجه به نقش ایشان در واقعه کربلا و تأثیر فراوان در طول دوران ها، در این مقاله به این بانوی برجسته پرداخته خواهد شد و سپس از شباهت های ایشان با حضرت مهدی (عج) شمه ای بیان خواهد شد.

### مقدمه

حضرت زینب (س) دختر امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) است.

زینب در لغت به معنای «درخت نیکو منظر و خوشبو» یا «زینت پدر» است.

بنابر برخی منابع حضرت زینب (س) در ۵ جمادی الاول سال پنجم یا سال ۶ هجری در مدینه متولد شد.

بر اساس روایات متعدد، نام گذاری حضرت زینب (س)، توسط پیامبر اسلام (ص) صورت گرفت. گفته شده است که جبرئیل از سوی خداوند این نام را به پیامبر (ص) رسانده است. در کتاب «الخصائص الزینبیه» آمده است پیامبر (ص) او را بوسید و فرمود: «حاضران امتم، غایبان را از کرامت این دخترم زینب آگاه کنند؛ همانا او مانند جدش خدیجه است.»

برای وی، القاب فراوانی نقل شده است، همانند عقيله بنی هاشم، عالمه غیر معلمه، عارفه، موثقه، فاضله، کامله، عابده آل علی، معصومه صغری، امینه الله، نائبة الزهراء، نائبة الحسین، عقيلة النساء، شریکه الشهداء، سامیه، بلیغه، فصیحه، و شریکه الحسین.

حضرت زینب (س) را به سبب سختی های بسیاری که در زندگی دید، ام المصائب نیز لقب داده اند. در گذشت جدش پیامبر (ص)، بیماری

و به شهادت رسیدن مادرش، شهادت پدرش امیرالمؤمنین (ع)، شهادت برادرش امام مجتبی (ع)، واقعه کربلا و به اسارت رفتن در کوفه و شام از جمله وقایع سخت و تلخ زندگی وی به شمار می آید. در این مقاله از بزرگواری ها و شخصیت حضرت زینب (س) سخن خواهیم گفت تا بیشتر با لقب سامیه، نام این شماره از نشریه، آشنا شوید.

### نام گذاری حضرت زینب (س)

مرحوم شیخ بهائی می نویسد: دختر امیر مؤمنان علیه السلام متولد شد. حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها دختر را در دامن علی علیه السلام گذاشت و گفت: نام این نوزاد را بگذار. امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «والله مین در نام گذاری فرزندانم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشی نمی گیرم»؛ پیغمبر در سفر بودند، دو روز بعد که آمدند، حضرت زهرا سلام الله علیها بچه را به بابا دادند؛ آن گاه پیغمبر فرمودند: «والله در نام گذاری خودت و بچه هایت بر خدا پیشی نگرفتیم.»

جبرئیل وارد شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله لحظاتی با جبرئیل مشغول سخن شد و بعد از چندی پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی علیه السلام رو کرده و گریه شدیدی نمودند و بعد چندین بار تکبیر گفتند.

حضرت فاطمه سلام الله علیها می فرمایند: «به پدرم گفتم: بابا چرا تکبیر می گویی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خاطر نامی که خدا برای این دختر قرار داد»؛ و گفتند: «زین اب»، که بر اثر کثرت استعمال به «زینب» معروف شد.. البته همان جا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی، خودش زینت اهل دنیاست، اما این دختر به جایی می رسد که زینت پدر می شود.»

حضرت زهرا سلام الله علیها سپس می پرسند: «بابا جان، اگر این است، برای چه گریه می کنی؟» حضرت فرمودند: «از خدا اجازه گرفتم که به او کنیه بدهم.» فاطمه سلام الله علیها پرسید:

در دوران قبل از ظهور امام زمان (عج)، حقوق بشر به فراموشی سپرده می شود. ظلم و ستم بر مردم حکمفرما می شود و مردم از حقوق خود محروم می شوند.

حاکمان و ظالمان، به راحتی بر مردم ستم می کنند و هیچ کس نمی تواند از آنها شکایت کند.

### آرامش

آرامش، یکی دیگر از آرزوهای دیرینه بشر است.



اما متأسفانه، هنوز در بسیاری از نقاط جهان، آرامش جای خود را به ترس و وحشت داده است مردم از ظلم و ستم حاکمان و ظالمان، در رنج و عذاب به سر می برند. آنها از آینده خود ناامید هستند و آمیدی به بهبود اوضاع ندارند.

### نتیجه

اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان (عج) و در عصر حاضر، شباهت های فراوانی با یکدیگر دارند. در هر دو دوران، صلح، آرامش و حقوق بشر، در معرض خطر قرار دارند.

این شباهت ها، امید را در دل منتظران زنده می کند که ظهور امام زمان (عج) نزدیک است و دوران ظلم و ستم به پایان خواهد رسید

خواهد شد.

ظهور امام زمان (عج) آرزوی همه منتظران آن حضرت است. منتظران با دعا و توسل و عمل صالح، زمینه ظهور آن حضرت را فراهم می کنند.

### جهان از منظر صلح، آرامش و حقوق بشر

صلح، آرامش و حقوق بشر در جهان قبل از ظهور امام زمان (عج)

در روایات اسلامی، اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان (عج)

به تصویری از تاریکی و ناامیدی ترسیم شده است. در این دوران، صلح و آرامش جای خود را به خشونت و ناامنی می دهد.

### صلح

صلح، یکی از ارکان مهم زندگی انسان است. در دوران قبل از ظهور امام زمان (عج)، صلح و آرامش به فراموشی سپرده می شود و جنگ و

خونریزی بر جهان حاکم می شود در این دوران، فتنه های فراوانی برپا می شود و مردم گرفتار جنگ و خونریزی می شوند. درگیری های قومی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی، جهان را به آتش می کشد.

مردم از ترس جان و مال خود، در اضطراب و نگرانی به سر می برند. هیچ کس نمی داند که فردا چه اتفاقی خواهد افتاد.

### حقوق بشر

حقوق بشر، مجموعه ای از حقوق بنیادین است که همه انسان ها، فارغ از نژاد، مذهب، ملیت، جنسیت، زبان و گرایش سیاسی، باید از آن برخوردار باشند.



«کنیه دخترمان چیست؟» پیغمبر در حالی که گریه می کرد، فرمود: «ام المصائب».

در ادبیات عرب، کسی که یک صفت عالی سرشار داشته باشد، آن صفت را به «أب» یا «ام» می آورند؛ مثلاً ام الاممه، ام الکرم و ... برای مردم بسیار قابل توجه است که زینب کبری، از سوی خدا و با تقریر رسول خدا به «ام المصائب» مکنات شده است.

### ویژگی‌ها، فضایل و مناقب علم و سخنوری

سخنان و خطبه‌های وی در کوفه و همچنین در برابر یزید، که همراه با استدلال به آیات قرآن بود، بیانگر دانش او است. وی احادیثی از مادرش حضرت زهرا(س) نقل کرده است. آن چنان که در کتاب مقاتل الطالبیین گزارش شده عبدالله بن

عباس سخنان حضرت زهرا(س) در مورد فدک را به نقل از حضرت زینب(س) روایت کرده است. در این روایت، ابن عباس از او با عنوان عقيلتنا زینب بنت علی (ع) یاد می کند. محمد بن عمرو، عطاء بن سائب، فاطمه بنت الحسین نیز از وی حدیث نقل کرده‌اند.

سخنرانی وی در کوفه برای شنوندگان یادآور خطبه‌های پدرش امیرالمؤمنین (ع) بود. سخنانش در کوفه و مجلس یزید و نیز گفتگوهای وی با عیدالله بن زیاد، شبیه به خطبه‌های امام علی (ع) و خطبه فدکیه مادرش زهرا(س) بود.

هنگام سخنرانی وی در کوفه، پیرمردی در حالی که می گریست، گفت: «پدر و مادرم فدای ایشان که سالخورده‌ترین بهترین سالخوردگان و کودکان ایشان بهترین خردسالان، و زنانشان بهترین زنان و نسل آنان والاتر و برتر از همه نسل‌هاست».

### عبادت

حضرت زینب (سلام الله علیها) به لحاظ اندیشه های روشنش به شناخت عمیقی از عبادت نائل

در جای دیگری می فرماید: «همانا عمه ام زینب (سلام الله علیها) همه ی نمازهای واجب و مستحب خود را در طول مسیرها، از کوفه به شام ایستاده می خواند و در بعضی از منازل نشسته می خواند و این به خاطر گرسنگی و ضعف او بود، زیرا سه شب بود که غذایش را بین اطفال تقسیم می کرد، زیرا آن مردمان سنگدل شبانه روز یک قرص نان بیشتر نمی دادند.»

### صبر و استقامت

صبر و استقامت در برابر سختیها، یکی از مهمترین اصول اخلاقی اسلام است. در روایات به سه نوع صبر اشاره شده است صبر بر مصیبت، صبر در مقابل مصیبت و صبر در مقام عبادت و بندگی.

حوادثی که به ظاهر بلا و سختی هستند، در باطن آثار و فوایدی دارند و اولیاء الهی نه تنها به بلا راضی هستند و ندای «رضی برضاءک» سرمی دهند بلکه اصلاً بلا را بلا نمی دانند و به دیده زیبایی و جمال به آن می نگرند چنان که حضرت زینب علیها السلام پس از تحمل سختیها و مصائب بسیاری که بر او و خاندانش وارد شده بود، فرمودند: «ما رایت الا جمیلا من جز زیبایی چیزی ندیدم.»

برای نمونه ابن اثیر از مورخین بزرگ اهل سنت می گوید: «وکانت زینب امرأة عاقلة لبيبة جزله ... وهو يدل علی عقل وقوة جنان زینب زنی بود عاقل و خردمند و با زکات ... و این (یعنی کلام حضرت زینب در مجلس یزید) بر عقل و قوت قلب او پایداری او [دلالت می کند].»

همچنین جلال الدین سیوطی از مفسرین اهل سنت می گوید: «وکانت لبيبة جزله عاقلة لها قوة جنان زینب بانویی خردمند و عاقل بود و از قوت قلب او مقاومت [برخوردار بود].»

و نیز علامه مامقانی از علمای شیعه در مورد آن بانوی بزرگ می گوید: «وهی فی الصبر والثبات وحيدة او در صبر و پایداری یکتا و بی همتا بود.» از این رو مناسب است در این مقال، برخی از فوائد بلا را برشماریم تا بتوانیم با تاسی به بانوی شجاع اسلام حضرت زینب علیها السلام زیبایی های نهفته در بلاها را دریابیم و مجذوب زیبایی مطلق خداوند متعال شویم.

منتظران باید همچون حضرت زینب(س) توجه

کنند اگر خدای متعال این غیبت را خواسته و این غیبت سبب حفظ اسلام ناب و زمینه ساز حکومت موعود همه ادیان می شود، باید به چنین غیبتی راضی شوند.

در روایات می بینیم اگر کسی به سمت استعجال برود، هلاک می شود و آنها که اهل تسلیم و رضا هستند، نجات می یابند؛ استعجال یعنی کسی در عصر غیبت و منتظر امام زمان(عج) باشد اما عجله و به درگاه خدا شکوه کند، گاهی در حزن و بیان احساس ادبیات ما منطبق با آموزه اهل بیت نیست و گویا راضی به غیبت امام مهدی(عج) نیستیم.

امام صادق(ع) فرمودند: «استعجال کنندگان نابود می شوند.»

در مقابل استعجال، تعجیل قرار دارد که ائمه(ع) ما را نسبت به آن توصیه کرده اند، در تعجیل دیگر گله و شکوه به درگاه خدا مطرح نیست یعنی انسان منتظر، ظهور را می خواهد و در عین حال عرضه می دارد غیبت حکمتی دارد و این تقدیر اشتباه نیست و این غیبت با همه سختی ها و شدائد، زیبایی های خود را دارد انسان مومنی که در پی تعجیل حجت خدا است شرایط غیبت را جز زیبایی نمی بیند و می گوید: «ما رأیت الا جمیلا» این از مهمترین درس هایی است که از رفتار و منش حضرت زینب(س) می گیریم.

### عشق به حق و حجت حق در بالاترین درجه تصور

عشق غیر قابل توصیف حضرت زینب(س) به امام حی و حاضر خویش آن قدر زبانزد هست که هیچ نیازی به توضیح و تفسیر نباشد، عشقی که اگر نبود درک کامل حرکت زینبی ممکن نبود که اصلاً شاید حرکتی به وجود نمی آمد که اثرگذار باشد. حرکت زینبی و لازمه بعدی برای انتشار موج بشارت ظهور داشتن عشق عمیق و راستین به امام و جریان حق است که این عشق و محبت، نیروی لازم برای حرکت در مسیر سخت.



است شرایط غیبت را جز زیبایی نمی بیند و می گوید: «ما رأیت الا جمیلا» این از مهمترین درس هایی است که از رفتار و منش حضرت زینب(س) می گیریم.

### عشق به حق و حجت حق در بالاترین درجه تصور

عشق غیر قابل توصیف حضرت زینب(س) به امام حی و حاضر خویش آن قدر زیانزد هست که هیچ نیازی به توضیح و تفسیر نباشد، عشقی که اگر نبود درک کامل حرکت زینبی ممکن نبود که اصلا شاید حرکتی به وجود نمی آمد که اثرگذار باشد. حرکت زینبی و لازمه بعدی برای انتشار موج بشارت ظهور داشتن عشق عمیق و راستین به امام و جریان حق است که این عشق و محبت، نیروی لازم برای حرکت در مسیر سخت را فراهم می کند و همانگونه که عرض شد زمینه به وجود آمدن این عشق و معرفت حرکت صحیح و بدون وقفه در مسیر اسلام و پای بندی به شرع است که بعنوان یک برنامه انسان ساز به تدریج فرد را شیفته حق و یاران حق می کند.

### زمان شناسی و تشخیص به موقع رسالت تاریخی

حرکت زینبی در بهترین زمان خود انجام گرفت، دقیقا همراه و هم قدم با امام و حجت حق، نه یک قدم جلوتر و نه عقب تر از ولی، از زمان آغاز حرکت از مدینه.

آیا اگر حضور این اسوه صبر و مقاومت در لحظه سفر از مدینه تا کربلا و در دهه جانگداز محرم نبود، برپایی چنین انقلابی ممکن بود؟

پس شرط اول برای انتشار امواج آگاهی و بیداری در جامعه همراهی با حجت حق است و بدون عمود همراهی با حجت حق برپایی این خیمه عظیم غیرممکن است.

درسی که از این ویژگی حرکت زینبی گرفته می شود این است که حضور همه جانبه در مسیری که ولی تعیین می کند برای اداء تکلیف کاملا ضروری و لازم است و این همراهی و حضور هر چه بیشتر و کاملتر باشد به همان میزان نفوذ و اثر کار از هر لحاظ بیشتر و کامل تر خواهد بود که این خصوصیت باید در مورد انتشار موج بشارت ظهور مد نظر قرار گیرد، یعنی موج بشارت ظهور زمانی خواهد توانست در جامعه با قدرت و به نحو

برای نمونه ابن اثیر از مورخین بزرگ اهل سنت می گوید: «وکانت زینب امرأة عاقلة لبیبة جزلة ... وهو یدل علی عقل وقوة جنان زینب زنی بود عاقل و خردمند و با زکات و ... و این (یعنی کلام حضرت زینب در مجلس یزید) بر عقل و قوت قلب او پایداری او دلالت می کند.»

همچنین جلال الدین سیوطی از مفسرین اهل سنت می گوید: «وکانت لبیبة جزلة عاقلة لها قوة جنان زینب بانوی خردمند و عاقل بود و از قوت قلب او مقاومت برخوردار بود.»

و نیز علامه مامقانی از علمای شیعه در مورد آن بانوی بزرگ می گوید: «وهی فی الصبر والثبات وحیة او در صبر و پایداری یکتا و بی همتا بود.» از این رو مناسب است در این مقال، برخی از فوائد بلا را برشماریم تا بتوانیم با تاسی به بانوی شجاع اسلام حضرت زینب علیها السلام زیبایی های نهفته در بلاها را دریابیم و مجذوب زیبایی مطلق خداوند متعال شویم.

منتظران باید همچون حضرت زینب(س) توجه کنند اگر خدای متعال این غیبت را خواسته و این غیبت سبب حفظ اسلام ناب و زمینه ساز حکومت موعود همه ادیان می شود، باید به چنین غیبتی راضی شوند.

در روایات می بینیم اگر کسی به سمت استعجال برود، هلاک می شود و آنها که اهل تسلیم و رضا هستند، نجات می یابند؛ استعجال یعنی کسی در عصر غیبت و منتظر امام زمان(عج) باشد اما عجله و به درگاه خدا شکوه کند، گاهی در حزن و بیان احساس ادبیات ما منطبق با آموزه اهل بیته نیست و گویا راضی به غیبت امام مهدی(عج) نیستیم.

امام صادق(ع) فرمودند: «استعجال کنندگان نابود می شوند.»

در مقابل استعجال، تعجیل قرار دارد که ائمه(ع) ما را نسبت به آن توصیه کرده اند، در تعجیل دیگر گله و شکوه به درگاه خدا مطرح نیست یعنی انسان منتظر، ظهور را می خواهد و در عین حال عرضه می دارد غیبت حکمتی دارد و این تقدیر اشتباه نیست و این غیبت با همه سختی ها و شدائد، زیبایی های خود را دارد.

انسان مومنی که در پی تعجیل حجت خدا

آمده بود، تاریخ نگاران درباره ی عبادت زرگوار مطالب فراوانی نوشته اند، مانند این که از برخی مقاتل معتبر از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «عمه ام زینب (سلام الله علیها) با تمام مصیبت هایی که بر ما وارد شده بعد از کربلا تا شام هیچ گاه نوافل خود را ترک نکرد.»

هم چنین روایت شده است که چون امام حسین (علیه السلام) برای وداع نزد خواهر آمد، از جمله سخنانی که به او گفت این بود که فرمود: «یا اختاه! لاتنسنینی فی نافلة اللیل» خواهر جان! مرا در نماز شب فراموش نکن.

برخی مورخان نقل کرده اند که شب زنده داری حضرت زینب (سلام الله علیها) در تمام عمرش ترک نشده است. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «در شب یازدهم محرم، عمه ام زینب (سلام الله علیها) را دیدم که در محل نماز نشسته و مشغول عبادت است.»

در جای دیگری می فرماید: «همانا عمه ام زینب (سلام الله علیها) همه ی نمازهای واجب و مستحب خود را در طول مسیرها، از کوفه به شام ایستاده می خواند و در بعضی از منازل نشسته می خواند و این به خاطر گرسنگی و ضعف او بود، زیرا سه شب بود که غذایش را بین اطفال تقسیم می کرد، زیرا آن مردمان سنگدل شبانه روز یک قرص نان بیشتر نمی دادند.»

### صبر و استقامت

صبر و استقامت در برابر سختیها، یکی از مهمترین اصول اخلاقی اسلام است. در روایات به سه نوع صبر اشاره شده است صبر بر مصیبت، صبر در مقابل معصیت و صبر در مقام عبادت و بندگی.

حوادثی که به ظاهر بلا و سختی هستند، در باطن آثار و فوایدی دارند و اولیاء الهی نه تنها به بلا راضی هستند و ندای «رضی برضاءک» سرمی دهند بلکه اصلا بلا را بلا نمی دانند و به دیده زیبایی و جمال به آن می نگرند چنان که حضرت زینب علیها السلام پس از تحمل سختیها و مصائب بسیاری که بر او و خاندانش وارد شده بود، فرمودند: «ما رأیت الا جمیلا من جز زیبایی چیزی ندیدم.»



احسن پیش رود که در چارچوب و فضای تعیین شده و با مختصات ولی امر مسلمین، نائب امام زمان(عج) که همان نظر و اراده حجت حق است قرار داشته باشد و این مسئله ای بسیار مهم است که در لحظه به لحظه حرکت باید مد نظر قرار گیرد و با توجه به شدت گرفتن جریانات و حوادث، دقت در مسیری که نائب امام زمان(عج) تعیین می کند، حساس تر و سرنوشت سازتر است.

### حضرت زینب(س) در واقعه کربلا

حضرت زینب در واقعه کربلا به همراه برادران، فرزندان و یاران امام حسین(ع) حضور یافت و پس از شهادت امام حسین(ع) و یارانش، به همراه دیگر بازماندگان اسیر شد و به شام رفت.

شیخ مفید از امام سجاد(ع) نقل کرده است که در شب عاشورا، زینب(س) کنار او نشسته بود که امام حسین(ع) به خیمه ای رفت و اشعاری درباره بی وفایی دنیا خواند. امام سجاد گوید: عمه ام بر اثر رقت قلب با شنیدن آن شعر، طاقت نیاورد و با شتاب و بی تابی نزد پدرم رفت و گفت: «وامصیبتاه! ای کاش مرگم فرارسد، امروز مادرم فاطمه(س) و پدرم علی(ع) و برادرم حسن(ع) از دنیا رفتند، ای جانشین گذشتگان و ای دادرسی بازماندگان.»

پس حسین(ع) به او نگاهی کرد و فرمود: «خواهرم! شیطان بردباری را از تو نگیرد.»

سپس چشمانش پر از اشک شد و فرمود: «اگر پرنده قطا(مرغ سنگخوار) را به حال خود بگذارند، می خوابد.»

زینب(س) گفت: «ای وای بر من! آیا جان تو را به زور می گیرند؟ این دلم را خونین تر می کند و بر من ناگوارتر است.»

سپس به صورت خود سیلی زد و گریبان را پاره کرد و بیهوش افتاد. حسین(ع) آب بر صورتش ریخت و به وی فرمود: «خواهرم! پرهیز کاری از خدا پیشه کن و به صبر و بردباری و تسلیت خداوند متکی باش و بدان که اهل زمین می میرند و اهل آسمان باقی نمی مانند و همه چیز رو به هلاکت و فنا است مگر وجه الله... پدرم، مادرم و برادرم از من بهتر بودند و رسول خدا(ص) برای من و برای هر مسلمان دیگر نمونه و الگو است.»

با این سخنان او را دلداری داد و فرمود: «ای خواهر! تو را سوگند می دهم، سوگندم را نشکن؛ هیچ گاه به



خاطر من گریبانست را چاک نکن و صورتت را سیلی نزن و وقتی از دنیا رفتم جزع و بی‌تابی نکن». سپس او را آورد و نزد من نشانید، و خود به طرف یارانش رفت.

حضرت زینب (س)، هنگام رسیدن بر بالین امام حسین (ع) پس از شهادت ایشان گفت: «خدایا! این قربانی را از ما بپذیر!»

همچنین نقل شده است که رو به سوی مدینه نمود و خطاب به پیامبر (ص) گفت: «ای پیامبر! اینان دختران شما هستند که به اسیری می‌روند. اینان فرزندان شما هستند که با بدن‌های خونین، روی زمین افتاده‌اند و باد صبا بر پیکر آنان می‌وزد! ای رسول خدا! این حسین است که سرش را از قفا بریده‌اند و عمامه و ردایش را به غارت برده‌اند. پدرم فدای کسی که سپاهیان، او را غارت کردند، سپس خیمه‌گاهش را سرنگون ساختند! فدای آن مسافری که دیگر امید بازگشتش نیست!» سخنان و ناله‌هایش، دوست و دشمن را تحت تأثیر قرار داد و همگان را به گریه واداشت.

بعد از عاشورا، اسیران را به کوفه بردند و در آنجا با وضع دلخراشی گرداندند. هنگام ورود به کوفه، زینب (س) برای حاضران خطبه‌ای خواند به طوری که همه شگفت‌زده شدند و تحت تأثیر آن قرار گرفتند. حدیث بن شریک الاسدی درباره خطبه حضرت زینب (س) می‌گوید: «سوگند به خدا! کسی را مانند زینب، در سخنوری توانا ندیدم؛ چنانکه گویی از زبان امیرالمؤمنین علی (ع) سخن می‌گوید. بر مردم نهیب زد: خاموش باشید! با این نهیب، نه تنها آن جماعت انبوه ساکت شدند، بلکه زنگ شتران نیز از صدا افتاد!»

در پایان خطبه که آشوب شهر و قیام علیه حکومت احساس می‌شد، فرمانده نیروهای نظامی برای جلوگیری از آن، اسیران کربلا را به دارالاماره مرکز حکومت عبیدالله بن زیاد فرستاد.

حضرت زینب (س) همراه با اسیران وارد دارالاماره کوفه شد و در آنجا با عبیدالله بن زیاد حاکم کوفه به مخاصمه پرداخت. سخنان حضرت زینب (س) بر مردم اثری عمیق گذارد و خاندان اموی را رسوا ساخت، سپس عبیدالله دستور زندانی کردن آنان را صادر کرد. خطبه زینب (س) و نیز سخنان امام سجاد (ع) و ام کلثوم و فاطمه بنت الحسین در کوفه

و دارالاماره و نیز اعتراض‌های عبدالله بن عقیف ازدی و زید بن ارقم به مردم کوفه جرئت بخشید و زمینه قیام برضد حکومت ظلم را فراهم ساخت

### سخنرانی حضرت زینب (س) در شام

حضرت زینب (س) خطاب به یزید فرمودند:

«به زودی آنکه تو را بر این مسند نشانده و گردن مسلمانان را زیر فرمان تو کشانده، خواهد دانست که زیانکار کیست و خوار و بی‌یار چه کسی است. در آن روز، داور، خداو دادخواه، مصطفی و گواه برتو، دست و پاست. امای دشمن و دشمن زاده خدا! من هم اکنون تو را خوار می‌دارم و سرزنش تو را به چیزی نمی‌شمارم، اما چه کنم که دیده‌ها گریان است و سینه‌ها سوزان. و دردی که از کشته شدن حسین به دل داریم، بی‌درمان. سپاه شیطان [یعنی عبیدالله بن زیاد و سپاهیان او]، ما را به جمع سفیهان [یعنی یزید و کسان او] می‌فرستند تا مال خدا را به پاداش هتک حرمت خدا بدو دهند.

این دست جنایت است که به خون ما می‌آیند. و گوشت ماست که زیر دندان می‌خایند. و پیکر پاک شهیدانست که گرگان بیابان از هم می‌ربایند. اگر ما را به غنیمت می‌گیری، غرامت خود را می‌گیریم، در آن روز، جز کرده زشت، چیزی نداری.»

شهیدی، زندگانی حضرت فاطمه زهرا، ص ۲۵۹.

### شاعران و ستایش حضرت زینب (س)

شاعران بسیاری درباره حضرت زینب (س) به زبان‌های مختلف شعر سروده‌اند. برخی از این اشعار در موضوعات مختلفی از جمله مدح، مرثیه و حضور زینب (س) در کربلا است. نیر تبریزی، شاعر مشهور ایرانی، درباره حضور حضرت زینب (س) در

روز عاشورا ابیاتی چنین سروده است

زینب، چو دید پیکر آن شه به روی خاک

از دل کشید ناله به صد درد سوزناک

کای خفته خوش به بستر خون! دیده باز کن

احوال ما ببین و سپس، خواب ناز کن

ای وارث سریر امامت! به پای خیز

بر کشتگان بی کفن خود نماز کن

طفلان خود، به ورطه بحر بلا نگر

دستی به دستگیری ایشان، دراز کن

برخیز، صبح شام شد، ای میر کاروان!



فطرت را به گونه ای پشت سر انداختید که گویی هرگز بدان آگاه نیستید و آن گاه (به کیفر گناهان) به این شرایط غم بار گرفتار گشتید.»

پیامی که از این شباهت، دستگیر ارادتمندان و دلسوختگان حضرت زینب (س) و پیروان حضرت مهدی (عج) می شود این است که، در عهد با امام زمان (عج)، صادق و بر وفای به آن، کوشا باشند.

### ۲: شباهت اطرافیان

همواره دو طیف و دو گروه، بر گرد ائمه ی اطهار علیهم السلام بوده اند؛ گروهی مخلص اما اندک، و گروهی ناسپاس اما بسیار! حضرت زینب (س) در خانه ی سرور زنان اهل عالم، حضرت زهرا (س)، اطرافیان مخلص را، به تعداد انگشتان یک دست می بینند و همچنین، جان نثاران اندک گرد آمده بر شمع وجود مولی الموحّدين امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) را ملاحظه می نمایند، اطرافیان دو سرور جوانان اهل بهشت حسنین علیهما السلام را نیز خوب دیده اند.

و از سویی، ناسپاسان و نالایقان را نیز دیده. ایشان شب عاشورا، هفتاد و دو یار مخلص را گرد برادر می بینند و در روز عاشورا که صحنه ی امتحان و آزمایش است؛ هر دو طیف و هر دو جناح را از نزدیک و با تمام وجود حس می نمایند.

امام زمان (عج) هم با این دو جناح مواجه اند؛ ایشان با مشاهده ی نامه ی اعمال، لیاقت و ارزش وجودی پیروان و در مواردی، عدم آن را حس می نمایند. این دو جناح، در روز ظهور، که روز بروز و ظهور افکار پیروان نیز هست، در برابر یا پشت سر امام زمان (عج) صف می کشند.

این شباهت، رهیافتی عظیم دارد؛ یاران مهدی (عج)، حسینی اند؛ زینبی اند؛ اهل تلاش و عمل اند؛ نسبت به جامعه ی خود بی تفاوت نیستند؛ آن هایی که حاضرند جان خود را در طبق اخلاص نهاده تا حریم اهل بیت علیهم السلام محفوظ بماند، یاران واقعی امام عصر (عج) بوده و هستند.

### ۳: شباهت یاری خواستن

فریاد استنصار حضرت زینب (س) در روز عاشورا، تا به ابد، در کنگره های جهان، طنین انداز است. حضرت زینب (س) در این رابطه، فریادی دارند که قلب سنگ دشمن نیز در برابرش نرم می شود. ایشان وقتی حسینش را در گودال قتلگاه می یابند، رو به عمر بن سعد لعین کرده و فریاد برمی آورند

شاهد افرادی بوده اند که عهدشکنی، سرلوحه ی برنامه هایشان بوده است. ایشان دیدند مردم با شهادت رسول خدا (ص)، پیمان شکنی بر ولایت امیرمؤمنان علی (ع) را آغاز نمودند و وقتی مادرشان حضرت زهرا (س)، آن ها را بر این مسئله ی مهم «حمایت از ولایت» فرامی خواند، آن ها ناجوانمردانه، پشت پا به همه ی مسائل زدند و حتی به خانه ی آن ها حمله ور شده و خانه ی وحی را به آتش کشیدند.

دیری نپایید که شاهد خطبه های آتشین امیرمؤمنان علی (ع) بر فراز منبر کوفه بودند که آن ها را به، وفای به عهد فرامی خواندند، ایشان شاهد پیمان شکنی مردم با برادرشان امام حسن (ع) بودند و بالأخره شاهد بزرگ ترین بی وفایی در طول تاریخ گردیدند؛ مردمانی که برادرشان را دعوت نموده و آنگاه با شمشیرهای بُرنده و تیغ های از نیام کشیده، به استقبال آمده بودند. ایشان در کوفه، علی وار از پیمان شکنی و نقض میثاق برای آن ها سخن راندند و بسان ائمه ی اطهار علیهم السلام، هشدار دادند که شما در برابر این پیمان شکنی، تاوان گرانی پرداخت خواهید کرد.

امام زمان (عج) هم از این عهدشکنی، دل پرخونی دارند؛ نسبت به انسان هایی که مسئله ای به نام «عهد»، «عقد» و «بیعت» را به دیار فراموشی سپرده اند. و یا افرادی که با خواندن دعای عهد، میثاق می بندند ولی در وفای به آن، کوتاهی می کنند، ایشان در نامه ای که به شیخ مفید (ره) می نویسند، می فرمایند: «اگر پیروان ما که خدای آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق دهد به راستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند، همدل و یکصدا بودند، البته نعمت دیدار ما، از آنان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما، برای آن ها با معرفت کامل و راستین، زودتر روزی آنان می گشت.»

و در توقیعی دیگر، ضمن ارائه ی همین موضوع، به پیامد عهدشکنی نیز اشاره می فرمایند: «به درستی که ما بر اوضاع و اخبار شما و جامعه ی شما به خوبی آگاهییم. چیزی از رخدادهای زندگی شما، بر ما پوشیده نمی ماند و شرایط غم بار و دردناکی که به آن گرفتار آمده اید، آن گونه که هست، برای ما شناخته شده است. از آن زمانی که بسیاری از شما به راه و رسم ناپسندی که پیشینیان صالح تان از آن دوری می گزیدند، روی آورده و پیمان

ما را سوار بر شتر بی جهاز کن  
همچنین شعر دیگری که شهرت یافته است:  
سَر نِی، در نینوا می ماند اگر زینب نبود  
کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود  
چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ  
پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود  
چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان  
در کویر تفته جا می ماند اگر زینب نبود  
در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب  
پشت کوه فتنه جا می ماند اگر زینب نبود  
ابیاتی از اشعار مشهور شاعر آیینی معاصر  
خوشدل تهرانی نیز این است:  
خطبه زینب اگر در سفر شام نبود  
از فداکاری شاه شهدا نام نبود  
نه همین نام نبود از شه خونین کفنان  
اثر از مکتب ارزنده اسلام نبود

### درگذشت

حضرت زینب (س) یکشنبه ۱۵ رجب سال ۶۲ق. درگذشت. برخی نیز درگذشتش را ۱۴ رجب دانسته اند. در مورد محل دفن حضرت زینب (س) سه دیدگاه وجود دارد  
شام: مشهور این است که قبر حضرت زینب (س) در شام است. این مکان اکنون در جنوب دمشق قرار دارد. به سبب وجود حرم حضرت زینب (س)، این منطقه «شهرک السیده زینب» نام گرفته است.

مصر: برخی از مورخان قبر زینب (س) را در مصر دانسته اند. این بارگاه در قاهره در منطقه سیده زینب قرار دارد و در سال ۱۱۷۳ هجری قمری بازسازی شده است. این مکان به مقام السیده زینب و مسجد السیده زینب مشهور است.

قبرستان بقیع: برخی از مورخان، قبرستان بقیع را در مدینه محل دفن حضرت زینب (س) دانسته اند. سیدمحسن امین از مدافعان این قول است.

### شباهت حضرت مهدی (عج) با حضرت زینب (س)

#### ۱: شباهت در زمان

وقتی به خطبه های آتشین قافله سالار اسرای کربلا و یا حتی به دوران زندگی ایشان مراجعه می کنیم و صفحات تاریخ را ورق می زنیم، می بینیم که حضرت زینب (س)، همواره

که: «أ یقتل ابوعبدالله و أنت تنظر الیه؟ ای عمر سعد! آیا حسین (ع) کشته می شود و تو شاهد صحنه هستی؟»

عمر سعد در حالی که گریه می کرد، صورتش را از زینب (س) برگرداند. زینب (س) فریاد زدند: «وای بر شما! آیا در میان شما یک نفر مسلمان نیست؟»

امام مهدی (عج) نیز فریاد استنصار دارد؛ ایشان در روز ظهور، به دیوار کعبه تکیه داده، بانگ برمی دارند: «ای مردم! ما از خداوند و هر که ما را اجابت کند، یاری می جوییم. ما اهل بیت پیامبران حضرت محمد (ص) هستیم از شما می خواهیم که به حق خدا و رسول خدا (ص) و به حق خود بر شما که حق قرابت رسول الله (ص) می باشد ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می کنند، از ما بازدارید. آن ها بر ما ظلم کرده اند، از شهر و فرزندان جدا کرده، بر ما ستم روا داشتند و شوریدند، اهل باطل، حق مان را گرفته و بر ما افترا بستند. خدا را درباره ی ما در نظر آورید، ما را تنها نگذاشته و رهایمان نکنید، یاری مان کنید که خداوند شما را یاری می کند.»

آیا ما حاضر به لبیک گفتن در مقابل این استنصار هستیم؟ اعمالی که قلب نازنین امام زمان (عج) را به درد می آورد نه تنها نصرت نیست، بلکه ضد آن، و خیانت است! آیا زمینه سازی برای ظهور، بهترین نوع لبیک به این فریاد استنصار نیست؟

### نتیجه گیری

در این مقاله ضمن بیان القاب و خصوصیات حضرت زینب سلام الله علیها رشادتها و دلآوری های ایشان در واقعه کربلا و برخورد ایشان با مسائل گوناگون بیان شد. با برشمردن ویژگی های مختلف این بانوی بزرگوار الگو گرفتن از ایشان در عصر ظهور و بیان شباهت های ایشان با حضرت مهدی (عج) می توان در عصر ظهور با آگاهی بیشتری زندگی کرد. باشد که سامیگانی در عصر ظهور با تمام صبر و استقامت و پایداری در راه درستی قدم برداریم که این امر با تلاش و کوشش و توکل به خداوند طلب یاری از امام عص (عج) امکان پذیر خواهد بود.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

## جایگاه و نقش زن در جامعه مهدوی

فرشاد حسینی، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شیراز

های اصلی و اولیه یاران حضرت مهدی(عج) ۳۱۳ نفر می باشند که طبق روایات، ۵۰ نفر از این ۳۱۳ نفر را زنان تشکیل می دهند.

در برخی روایات اشاره شده است که علاوه بر این پنجاه نفر، ۴۰۰ نفر بانوی برگزیده نیز به اتفاق حضرت عیسی(ع) به همراهان امام زمان(عج) خواهند پیوست. البته این تعداد مربوط به همه بانوان همراه کننده امام عصر(عج) نمی باشد و تنها اشاره به بانوان برگزیده ای دارد که هر کدام نقش برجسته و خاصی در هدایت و رهبری جامعه بر عهده دارند.

تمام این موارد نشان از شایستگی و منزلت بانوان دارد و اشاره به این موضوع می کند که در رسیدن به منزلت و جایگاه معنوی و مادی، تفاوتی میان زنان و مردان وجود ندارد.

در روایات به رجعت بانوان، پس از ظهور امام زمان(عج) نیز اشاره شده است. بانوانی که در طول تاریخ و قرن ها قبل از ظهور امام زمان(عج) جزو زنان پاکدامن بوده و به نوبه خود نقش فعالی در گسترش قوانین الهی داشته‌اند، پس از ظهور، رجعت کرده و با حضور فعال خود، به امام زمان(عج) و جامعه بشری خدمت می کنند. در برخی روایات حتی از بانوان رجعت کننده نیز نام برده شده است که از جمله آن ها می توان به سمیه، اولین شهیده راه اسلام و ام ایمن اشاره کرد. به صورت کلی همان طور که مردان در بسترسازی شرایط ظهور وظیفه و نقشی دارند، زنان نیز به نوبه خود وظایفی بر دوش دارند که شاید بتوان از بارزترین نقش زنان در بسترسازی شرایط ظهور به تربیت نسل منتظر اشاره کرد.

همانطور که امام خمینی(ره) نیز فرمودند که مرد از دامن زن به معراج می رود، بانوان نقش برجسته ای در تربیت نسل منتظر بر عهده دارند.

منبع:

نصوری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، قرآن، امام مهدی(عج) و زنان، آیین احد، قم

در تاریخ اسلام، الگوهای زیادی از زنان بوده اند که نقش پر رنگی در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... داشته‌اند. این نقش پر رنگ در عصر حاضر نیز به وضوح قابل درک است.

از نهضت تنباکو گرفته تا دفاع مقدس می توان تاثیرگذاری بانوان را در مسیر حق و عدالت مشاهده کرد. در کنار این الگوهای مثبت و تاثیرگذار، الگوهای منفی مانند همسران لوط و نوح نیز در طول تاریخ معرفی شده اند. این مسئله نشان از اهمیت و حساسیت جایگاه و نقش زن در جوامع بشری دارد.

عدم هوشیاری زنان فعال در میدان های مختلف، سبب می گردد که حضور زنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی و ... با انحراف مواجه گردد. از این رو در آیات و روایات به ویژه در روایات آخرالزمانی به این موضوع پرداخته شده و نسبت به این مسئله هشدار داده شده است. طبق روایات آخرالزمانی جایگاه زنان در دوران آخرالزمان با تهدید جدی مواجه است. عمده این مسائل مربوط به انحطاط اخلاقی و معضلات اجتماعی می باشد. بنابراین در این شرایط، نقش زنان پاکدامن و آزاده برجسته تر می گردد.

چراکه حضور فعال زنان پاکدامن، عرصه را بر فعالیت منحرفان تنگ کرده و با پر کردن خلاهای معنوی فرزندان و ... می توانند جلوی به انحراف کشیده شدن آنان و بسیاری از معضلات اجتماعی را بگیرند.

قرار گرفتن زن در جایگاه واقعی خود می تواند نجات دهنده حیات بشری باشد و جامعه را از انحرافات آخرالزمانی دور کند. البته زنان مومنه و فعال در این عرصه ها کم نیستند، طوری که در روایات عصر ظهور اشاره شده است که قسمت قابل توجهی از یاران حضرت مهدی(عج) را بانوان تشکیل می دهند. حلقه

## نقش زنان مسلمان در وقایع مهم تاریخ

فرشاد حسینی، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شیراز

شوهرش پادشاه بود و می گفت: انا ربکم الاعلی. ولی او در جوار حق بودن را بر ملکه بودن ترجیح داد. پادشاه دستور داد مردم را جمع کنند... او را به زمین خوابانند... دست و پایش را به چهار میخ بستند... سپس سنگ بزرگی بر روی سینه اش قرار دادند... شهیده شد... آسیه ثابت کرد می توان زن بود و در انتخاب راه مستقل عمل کرد... می توان به تنهایی فرهنگ غلط را از بین برد... او نشان داد در اوج پادشاهی طاغوت، می توان محیط امن رشد یک پیغمبر را فراهم کرد و برای یک تاریخ، الگو بود...

در طول تاریخ اسلام نیز زنان با ایمان بسیاری نقش آفرین بوده اند و همچون آسیه مسیر را برای تاریخ هموار کرده اند. از جمله آن ها می توان به دختر خویلد اشاره کرد... بزرگ زاده بود و ثروتمند... امروز کمتر کسی است که خدیجه را نشناسد... بانوی ثروتمندی که تمام ثروت خود را در راه اسلام صرف کرد، طوری که پیغمبر(ص) فرمود: هیچ مالی به من سود نبخشید، آنگونه که ثروت خدیجه(س) به من سود بخشید.

از دیگر بانوان تاثیر گذار تاریخ می توان به برکه اشاره کرد. مادر ایمن... یا ام ایمن... بانویی که پیغمبر او را مادر می خواند... در جنگ احد به رزمنده ها آب میرساند و مجروحان را مداوا می کرد. وقتی در جنگ احد شایع شد که پیغمبر کشته شده است و برخی از مسلمانان فرار کردند، با تندی خطاب به آنان گفت: "شمشیرهای خودتان را به ما بدهید و نخ ریزی به دست گیرید و نخ بریسید. یکی از پسرانش در راه اسلام شهید شد و دیگری در آخرین روزهای عمر پیغمبر(ص) فرمانده سپاه اسلام جهت جنگ با رومیان شد. ام ایمن از جمله بانوانی است که در هنگام ظهور حضرت مهدی(عج)، همراه با دوازده زن دیگر رجعت خواهد کرد.

سمیه نیز از دیگر بانوانی است که می توان از او درس آزادی آموخت. به او گفتند دو راه در پیش داری، یا از اسلام برگرد یا کشته خواهی شد... راه

شهادت را برگزید... ابوجهل هم دو شتر آورد و پای سمیه را به شترها بستند و شترها را در دو جهت مخالف حرکت دادند... اولین شهیده راه اسلام شد و همچنین بانوان دیگری که در صدر اسلام، تمام خود را وقف کردند تا تاریخ شاهد یک نقطه عطف در دل خود باشد... نقطه عبور از جاهلیت... نقطه حاکمیت عدالت و برابری... نقطه ی افول قاعده های طاغوت و گسترش قوانین الهی.

تمام این بانوان به نوبه خود پیغمبر را یاری کردند تا اسلام به عنوان یک دین الهی مورد پذیرش همگان قرار گیرد و افراد بسیاری را به سمت خود جذب کند...

کمی که جلوتر برویم، در دوران اهل بیت(ع) نیز حضور پر رنگ بانوان در وقایع مهم، به چشم می خورد. یکی از وقایع مهم بعد از رحلت پیغمبر، ماجرای سقیفه می باشد. ماجرای سقیفه در تاریخ با نام فاطمه(س) گره خورده است. وقتی ثروتش را غصب کردند و بین در و دیوار مجروح شد، با این حال دست از دفاع از حق نکشید تا آنکه به شهادت رسید.

فاطمه(س) در زمان پیغمبر نیز در جنگ ها شرکت می کرد و کمک می نمود و بعد از پیغمبر نیز مطیع و مدافع امام زمان خود بود و در این راستا چنان استوار و ثابت قدم بود که در نهایت در راه دفاع از امام زمان خود به شهادت رسید. شهادتی که تاریخ بشریت را از یک بدعت نجات داد. در مقام حضرت فاطمه(س) همین بس که امام مهدی(عج) او را الگوی خود معرفی کرده است.

در ماجرای کربلا و حرکت امام حسین(ع) نیز نقش زنان در تصمیم گیری های سیاسی و تاثیر بر تغییر برخی روندهای تاریخی به چشم می خورد.

به عنوان نمونه، پس از مرگ معاویه و بیعت نکردن شیعیان با یزید، شیعیان بصره در منزل زنی به نام ماریه جمع می شدند و منزل این بانوی بزرگوار محل اجتماع و مذاکرات شیعیان بود. پس از شهادت امام حسین(ع)، در شرایطی که برخی

مردان از وحشت یزید به گوشه ای پناه برده بودند، دسته ای از زنان به رهبری دره الصدف به سپاه حاملان سر اباعبدالله(ع) حمله می کنند. به این امید که بتوانند سر مبارک را پس گیرند که در نهایت برخی از آن ها به شهادت می رسند.

زینب کبری(س) نیز از دیگر بانوان نقش آفرین در تاریخ می باشد. بانویی که در دوران کودکی شاهد مصیبت های مادر بوده و شهادت پدر و برادر را نظاره کرده و حالا در کربلا عزیزان خود را از دست داده است. با وجود تمام این مصائب خطبه های آتشین زینب کبری بنیان حکومت اموی را سست می کند که تا به امروز روشنگری های این بانوی بزرگوار و نقش ایشان در افکندن نقاب از چهره پلید حکومت اموی، در تاریخ به یادگار مانده است.

در دوران اهل بیت(ع) بانوان دیگری همچون فاطمه معصومه(س) را می توان نام برد. بانوی ۱۸ ساله ای که در اوج خفقان عباسی، راوی حدیث بود و در نهایت زیارتگاه ایشان مرکز نشر علوم اسلامی در حال حاضر گردیده است.

در دوران غیبت امام معصوم(ع) تا به امروز نیز

شاهد نقش آفرینی زنان مسلمان در طول تاریخ بوده ایم. از زنانی که با شروع غیبت صغری برای شناسایی امام زمان(عج) به مردم تلاش کردند، تا بانوانی که امروزه با چالش ها و موانع پیش روی جهان اسلام به طور مستقیم درگیر هستند.

این بانوان و بانوان بی شمار دیگری که نامشان در تاریخ ثبت شده است ثابت کردند که زنان از ارکان اصلی جامعه می باشند و در حوزه ایمان، کمال و ... تفاوتی با مردان ندارند و به نوبه خود می توانند نقش تاثیرگذاری در تاریخ داشته باشند. امام خمینی(ره) نقش زنان را چنان با اهمیت می داند که بیان می کنند از دامن زن، مرد به معراج می رود.

بنابراین با هوشیاری زنان مسلمان و الگو گرفتن از بانوان نقش آفرین در تاریخ، می توان نقطه عطفی در تاریخ بشریت ایجاد کرد و جلو برخی انحرافات که در روایات نیز به آن اشاره شده است را گرفت. منابع:

نصوری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، قرآن، امام مهدی(عج) و زنان، آیین احد، قم  
آیت الهی، زهرا، (۱۳۷۸)، زنان دین گستر در تاریخ اسلام، مطالعات راهبردی زنان، ۴.

## سیمای مهدی(عج) در اشعار شاعران

دکتر محمد مرادی، (عضو هیئت علمی دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز)

است (ر.ک. مجله‌ی شیعه شناسی) و نمی‌تواند از بوسعید باشد. در اشعار عصر سلجوقی، عمدتاً نگاه اهل سنت به ظهور مهدی موعود دیده می‌شود. در تلمیحاتی که در دیوان قطران، لامعی، ابوالفرج، عمیق، مسعود سعد، سنایی و شاعران بی‌دیوان می‌بینیم؛ عمده‌ی توصیف‌ها روایتگر فتنه‌ی دجال و تقابل آن با ظهور مهدی(عج) و همراهی مسیح(ع) و آن حضرت است مسعود سعد: مشهور شد از رایت او آیت مهدی

سده‌های نخستین شعر فارسی اشارات مربوط به مهدی(عج) و آخرالزمان محدود است. در این دوره، توصیفات مربوط به آن حضرت عمدتاً در آثار روایی، تفسیری و متون دینی دیده می‌شود. این نکته سبب شده، تا عصر محمود غزنوی(دست کم در اشعاری که اینک در دسترس است) ذکری مستقیم از ایشان نرفته باشد. در مدایح عصر غزنوی اول، به مرور و به صورت تلمیحی اشاراتی به نام مهدی و عمدتاً در تقابل دجال ثبت شده است. این چند تلمیح را در اشعار غضایری رازی و عنصری می‌توان دید



منسوخ شد از هیبت او فتنه‌ی دجال سنایی (دیوان): ای دریغا مهدی کامروز از هر گوشه‌ای یک جهان دجال عالم‌سوز سر بر کرده‌اند اگر مخالف خواهی ای مهدی در آ از آسمان ور موافق خواهی ای دجال یکره سر بر آر حدیقه:

یکی گوید که مهدی گشت پیدا یکی گوید نبی الله اکبر سیاست تو به گیتی علامت مهدی است کجا سیاست تو نیست فتنه‌ی دجال در قطعه‌ای منسوب به ابوسعید هم به آن حضرت(ع) شفاعت جسته شده که چنانکه در مقاله ای اشاره کرده‌ام، این شعر متاخر از زمان شیخ

خلق او آمد از نکو عهدی  
روح عیسی و قالب مهدی  
اندرین روزگار بدعهدی

چیست جز عدل هدیه‌ی مهدی

در اشعار شاعران و نویسندگان متمایل به نگاه شیعی (اسماعیلی یا اثناعشری) هم اشاراتی به آخر الزمان دیده می‌شود. ناصر خسرو در دیوانش تنها به صورت نمادین به فتنه‌ی دجال و معنای نهفته پشت آن اشاره کرده است.

در قصیده‌ای منسوب به او نیز نامی از مهدی به میان آمده؛ البته مینوی در مقدمه‌ی دیوان چاپ نصرالله تقوی انتساب این شعر به ناصر خسرو را رد می‌کند و می‌گوید:

«قول به مهدی در عقاید ایشان ندیده‌ام و اگر بوده در زمان حکیم ناصر خسرو نبوده». شعر مورد نظر از زاویه‌ی سبک سروده‌ی ناصر خسرو نیست؛ با این حال اشاره به مهدی (ع) را در رساله‌ی اسماعیلی کشف‌المحجوب از ابویعقوب سجستانی هم می‌توان دید:

«مهدی آن است که مردمان را راه نماید و همه‌ی پیغمبران از پیش او مردمان را راه نمودند به راه خدای، ولیکن سخن‌های ایشان پوشیده بود و علم‌های ایشان در حجاب بود؛ زیرا زمان‌ها چنان واجب کرد... و چنین گفتند کی چون مهدی بیاید گرگ و گوسفند به یکجا آب خورند...»

کامل‌ترین تصویر شاعرانه از آخر الزمان و ظهور مهدی (ع) را در ابیات نخستین گرشاسپ نامه‌ی اسدی توسی می‌توان دید:

...ازین پس پیمبر نباشد دگر  
به آخر زمان مهدی آید به در  
بگیرد خط و نامه‌ی کردگار  
کند راز پیغمبران آشکار  
ز کوچک جهان راز دین بزرگ  
گشاید خورد آب با میش گرگ  
بدارد جهان بر یکی دین پاک  
بر آرد ز دجال و خیلش هلاک  
همان آب گویند کاید پدید  
در توبه را گم نباشد کلید  
رسد ز آسمان هر پیمبر فراز  
شوند از پس مهدی اندر نماز  
سوی خاور آید پدید آفتاب

هم آتش کند جوش طوفان چو آب  
پس از آن شگفت دگر گونه‌گون  
بس افتد جهاندار داند که چون

از سده‌ی ششم، اشارات و سرایش اشعار مستقل در ستایش مهدی (عج) فراوانی می‌یابد که اشاره به ویژگی این آثار به مجال دیگر نیازمند است

«یک رباعی آخرالزمانی و روایت‌های متعدد» در کشکول شیخ بهایی، ابیاتی گوناگون (موثق و غیر موثق) گردآوری شده که برخی از آنها، ذهن مخاطب را به خود جلب می‌کند. از آن جمله است رباعی‌ای با پیش‌بینی‌های آخرالزمانی که در کشکول به نام خواجه نصیرالدین طوسی ثبت شده و بسیاری از مآخذ مختلف آن را نقل و تفسیر کرده‌اند و آن، رباعی مشهور زیر است:

در الف و ثلاثین دو قران می‌بینم

وز مهدی و دجال نشان می‌بینم

یا ملک شود خراب یا گردد دین

سری است نهان و من عیان می‌بینم

محتوای رباعی، پیش‌بینی رویدادی است که هیچ‌گاه آنچنانکه راوی منتظر بوده رخ نداده است. رباعی یادشده در تعدادی از نسخ دیوان شاه‌نعمت‌الله ولی نیز نقل شده و تفاوت‌هایی در زمان پیشگویی دارد:

در نهصد و نه من دو قران می‌بینم

از مهدی و دجال نشان می‌بینم

دین نوع دگر گردد و اسلام دگر

این سر نهان است عیان می‌بینم

و در این چند سده، سال پیشگویی پیوسته در حال بازنگری و تغییر بوده است؛ چنانکه مصرع اول را در متون عصر قاجار به صورت «در سال غرس من دو قران می‌بینم» نوشته‌اند و آن را سال ظهور محمد باب (۱۲۶۰) تفسیر کرده‌اند یا آن را به صورت «در الف و سه تسعین» نیز در آورده‌اند. قطعا در متون و نسخ مختلف، روایت‌هایی دیگر از این رباعی موجود است. قدیم‌ترین ضبطی که اینک به آن دسترسی دارم، مربوط به بخش رباعیات سفینه‌ی ظرایف (۴۱۱۰) کتابخانه‌ی ملی لندن است که به صورت زیر و بدون نام شاعر ذکر شده است:

در هفصد و تسعین دو قران می‌بینم

بنیاد خرابی جهان می‌بینم



ایسلام، ملکای  
این خدیجه الغراء

چند روز پیش در یادداشتی از دوستی ارجمند، نام حافظ شیرازی را دیدم که در پیشینه‌ی شعر انتظار فارسی و شاعران مربوط به آن ثبت شده بود. مساله‌ای که به‌فراوانی در یادداشت‌های مشابه و به‌ویژه در رسانه‌ها تکرار شده و احتمالاً تکرار خواهد شد. اما فارغ از مباحث تکراری درباره‌ی مذهب و مسلک حافظ، یادآوری چند نکته درباره‌ی حافظ و پیوند اشعار او با ادبیات «مهدوی» خالی از فایده نیست

۱: در غالب نسخه‌های کهن دیوان حافظ و همچنین تصحیح‌های آن، از جمله تصحیح غنی قزوینی، تنها در یک‌بیت، به صورت مستقیم به نام مهدی (ع) اشاره شده است  
 کجاست صوفی دجال فعل ملحدشکل  
 بگو بسوز که مهدی دین‌پناه رسید  
 مهدی، در بیت یادشده، سیمایی آخرالزمانی اسلامی دارد و نمی‌توان آن را با سیمایی مختص به ادبیات انتظار شیعی معرفی کرد.  
 این بیت، با توجه به مطلع شعر و کارکرد مدحی آن، صرفاً تلمیحی به نام مهدی منجی (ع)\* است. شیوه‌ای که از دیرباز در سنت شعر فارسی و در خلال ستایش ممدوحان مرسوم بوده و تا روزگار ما نیز این تطبیق و ایجاد تشابه ادامه دارد  
 چنانکه تقابل مهدی و دجال را در شعر زیر از عنصری نیز می‌توان مشاهده کرد  
 سیاست تو به گیتی علامت مهدی است  
 کجا سیاست تو نیست فتنه‌ی دجال  
 یا در بیت زیر از قطران:  
 همی به دیده بدیدم چو روز رستاخیز  
 ز پیش رایت مهدی و فتنه‌ی دجال

۲: برخی بزرگان، به‌ویژه عالمان و عارفان، در سده‌های اخیر برخی غزل‌های حافظ را اشعاری در ستایش امام دوازدهم (عج) معرفی کرده‌اند یا آن اشعار را با امکان سازگاری با وجود آن حضرت تفسیر کرده‌اند.

مشهورترین این اشعار، یکی غزلی است با مطلع «ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی» که شعری

است در ستایش معشوق یا ممدوحی که حافظ از وصف «شاه خوبان» برای او استفاده کرده و منتظر بازگشت اوست؛ هیچ قرینه‌ای دیگر و مشخص از پیوند این شعر با امام منتظر نمی‌توان سراغ گرفت و ابهام و چندلایگی تفسیری در این شعر، چون دیگر سروده‌های حافظ است.

شعر مشهور دوم، «مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید» است که در تصحیح غنی قزوینی، ثبت نشده؛ اما در برخی نسخ کهن و تصحیح‌ها از جمله حافظ انجوی ثبت شده و از منظر سبکی، محتملاً از حافظ است؛ هرچند این شعر نیز قرینه‌ای مشخص بر ستایش امام عصر (عج) ندارد و مخاطب حافظ می‌تواند هر ممدوح یا معشوقی باشد. اصولاً شعر حافظ، به مخاطب اجازه می‌دهد که از این اشعار در موضوع انتظار موعود چون بسیاری موضوعات دیگر استفاده کند و تنها از این منظر، جزو قلمرو شعر انتظار به معنای عام آن است.

۳: در خوانش اشعار حافظ، به‌ویژه در فاصله‌ی سده‌های دهم تا سیزدهم، تلاش شده است؛ سیمایی منقبت‌سرا از حافظ ارائه شود. حال آنکه در اشعار او، اشارات مستقیم به شخصیت‌های صدر اسلام کاربردی واضح و مستند ندارد و جز محدود ابیاتی چون رباعی «مردی ز کننده‌ی در خیبر پرس» و بیت «حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق»، کمتر اشاره‌ای به شخصیت‌های مورد احترام شیعه را در دیوان حافظ می‌توان دید  
 پرواضح است که شعر حکشده بر سنگ قبر حافظ با مطلع «ای دل غلام شاه جهان باش و شاه باش» نیز از حافظ نیست و هرچند در برخی چاپ‌های دیوان ثبت‌شده، در نسخ قبل از قرن دهم، تا آنجا که ذهن این کمترین به‌خاطر دارد، نشانه‌ای از آن نیست. انتساب برخی ابیات مجعول و متوسط چون شعر «نوشته بر در فردوس کاتبان قضا» به حافظ نیز که نیاز به بحث و مذاقه ندارد.

عج  
 بجا که هر که



ای گوهر هاشمی! گوهر دل، سفته شد و از چشم روانه شد، برخیز که گنجینه اشک‌ها سر ریز است...  
 ای گل نرگس! من در انتظار آمدنت نرگس تر م‌ازیرا زرد روی میان مروارید اشکانم پرورده شدم ، پس بیا که جام صبرم از اشتیاق لبریز است...  
 یا صاحب الزمان (ع)، بدم آن آنالمهدی طرب انگیز را که دیر است ...

امیر یلدا! یلدا بدون تو افسر ندارد، بدون تو قصر حورالعین هم ندارد...  
 ماه پاره یلدا! بیا که هفت آسمان و جهان بی تو نور ندارد...  
 جان جهان! در جان پاییز بدم که زمستان زود در رسیده است...  
 یوسف زمان! بیفکن آن قبای سبز روحانی را که زمانه فرسوده و زمین پیر شده است...  
 مسیحای جاویدان! در آخرین روز پاییز غیبتت، حقی بگو که أسود و أبيض یکی شده است...

### سرزمین روشنی

فلسطین ای سراسر ، صبر و ایمان  
شکوهت نیست از انظار ، پنهان

\*\*\*

دلت سرشار از عشق و امید است  
یقینا آخر این شب، سپید است

\*\*\*

در عین درد مندی، پر غروری  
به یزدان تکیه داری، پر سروری

\*\*\*

تو به آوای حق، لبیک گویی  
به سستی ها نداری هیچ خوبی

\*\*\*

فراموش نشد پرواز و رستن  
تو دانی قفل این زندان شکستن

زهرا شمشیری، دانش آموزخته  
کارشناسی حقوق دانشگاه شیراز

### مفقودالایثر

طلوع شادیت رفت و غروبی بی سحر برگشت -  
در این تقویم تکراری خزان با چشم تر برگشت  
صدای کاروان آمد تو را شوری به دل افتاد دوباره  
قاصدک رفت و دوباره بی خبر برگشت

به دست نیل اگر دادی تمام آرزویت را ولی  
انگار موسایت ندارد عزم بر برگشت

به دل گفתי صبوری کن کمی دیگر صبوری  
کن که شاید یوسف گمگشته آخر از سفر برگشت

کنار رخت دامادی، بود جای پسر خالی چه  
آهی در نفس داری، که سوزش بر جگر برگشت

چه زیبا ماجرای دارد این کوچ پرستوها یکی  
بی سر یکی بی پا یکی بی بال و پر برگشت

قرار دل که حاصل شد، برایت آیه نازل شد  
شبی که ماه کامل شد بین شق القمر برگشت

روا شد حاجتش مادر به معشوقش رسید آخر  
بخواب آسوده تر دیگر که مفقودالایثر برگشت



شعاع





### «باران»

چشمم سرود عشق تو را صادقانه خواند وقتی کویر دل غزلی عاشقانه خواند  
باران تمام قافیه ها را ردیف کرد از پشت پنجره که برایم ترانه خواند  
دفتر گشود و خاطره برداشت مو به مو شمعش بغل گرفت، و شانه به شانه خواند  
آمد که درد و دل کند این بار با خودش از هر چه روضه بود ولی بی بهانه خواند  
از غربت غروب غم انگیز آسمان از شکوه ی زمین ز قضای زمانه خواند  
از خنده های مستمر ابرهای تار از اشک های پر شرر مخفیانه خواند  
از انتظار ماه به لبخند صبح گاه از گریه سحر به دعای شبانه خواند  
در جستجوی گم شده ای، بی قرار تر از اضطراب پر تپش مادرانه خواند  
زمزم به زیر پای تو چون رود پا گرفت دریا به عشق رود کران تا کرانه خواند  
ناگه ز دور هدهد مستی خیر رساند از آن غزل که قاصدکی شاعرانه خواند  
یلدا اگر نوید بهار است غم چرا؟ - وقتی انار غنچه ی لب را نشانه خواند  
رفتی و بعد تو همه جا سبز می شود همپای گل سرود فرج را جوانه خواند

### «چشمه امید»

حیران میان جنگل زلفت رمیده است هر کس که از شراب نگاهت چشیده است  
چشمی اگر چه نیست که بینم جمال تو قلبی اگر که هست به عشقت تپیده است  
اعجاز چشم توست که بی دست و بی قلم نقشی ز تیر عشق به قلبم کشیده است  
شاعر فقط تویی که به گلزار شعر تو باران ترانه است، شقایق قصیده است  
خورشید پشت ابر دلم را بهار کرد ورنه بسی سخن که زمستان شنیده است  
یعقوب گرچه دیده ی خود را سپید کرد یوسف شبیه تو به دو عالم ندیده است  
مانند آبشار فقط گریه می کند کوهی که از فراق گریبان دریده است  
ای چشمه ی امید همه نا امیدها باز آ به شهر ما، شب یلدا رسیده است

### «زمان»

وقتی که نباشی همه جا هست خزان - در پنجه ی تو کن فیکون است نشان  
در زیر قدم های مبهوت زمین - از شوق تمنای تو مدهوش زمان

### «غیبت»

ای نرم تر از آب روان سیرت تو - ای سخت تر از کوه گران هیبت تو  
بر سفره ی یلدا که همه جمع شدیم - ای کاش بود حرف همه غیبت تو

### «نور»

شیرینی دنیاست مرا زهر بیا - چون نور به ظلمت کده ی دهر بیا  
ما مرده دلان را دم عیسی برسان - افتاده به خس خس نفس شهر بیا

### «خانه تکانی»

همرنگ خداست آسمانم امشب جز عشق ترانه ای نخوانم امشب  
نوروز اگر خانه تکانی کردم باید که دلم را بتکانم امشب

### «زیارت»

از سوی افق نور امیدی برگشت آن مرد که با اسب سفیدی برگشت  
ناگاه دلم مست زیارت شد چون با پرچمی از خون شهیدی برگشت

آفتابا...

چه دانید که این سوی دشت آلالهها،  
پیکرم گاه به عریانی نور محتاج است  
در پس انتهای این راه متروک تنهایی،  
باید صدای قدمش بانگ شود در شهر  
نغمهها...

بر سر بی زلف من، هیچ نگردید آوار  
تا بی افشانم بر آن، تاج غلامی از شوق  
گر بیاید، تنم را فرش می بافم بر شبها  
بسیار شادی میسازم از یاد او هر سال  
یا رب...  
این هستی به هر جایش مرا غم می برد

آه محبوبم! کجایش؟ کی نهد پای دگر!  
هر شب جمعه دلم در بطن خود پیر شد  
هیچ عمری ندارم در انتظارت ای فروغ!  
ای دلایم...

چین افتاده بر جبین نازکم، از غیبتت  
بسی درد می تراود از وجود بی نصیبم  
کاش سپید آمدنت پوشیده نماند بر من  
دردا که این خطاکار، جز تو نشانی ندارد

پریا رحیمی، دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات  
فارسی دانشگاه شیراز





## مصاحبه در مورد زنان در جامعه مهدوی

مصاحبه‌کنندگان:

مریم اقتداری، دانشجوی کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز  
نرجس کیانیان راد، دانشجوی کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز  
مصاحبه‌شونده:

سرکار خانم دکتر زرین تاج واردی، استاد دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

### قسمت ۱: زنان در جامعه مهدوی

دکتر واردی:

بحثی که امروزه بسیار در گیر آن هستیم مبحث «زن» در جامعه اسلامی است.

با وجود آزادی‌هایی که برای بانوان قائل هستیم نظر شخصی من این هست که به تبع در طی سال‌هایی که در دانشگاه دانشجو بودم و تدریس داشتم این حجاب برای من امنیتی گران‌قدر ایجاد کرده بود. به هیچ وجه قائل به زور و اکراه در مسائل مختلف نیستم، اما معتقدم گاهی اوقات بعضی از مباحثی که در اسلام به آن اصالت داده شده می‌تواند تضمینی برای حضور بهتر در جامعه باشد.

حدود سی و هفت سال است که من وارد دانشگاه شده‌ام؛ خود این حجاب و برخورد با آن حساری بود که توانسته برخورد و تعامل من را علمی‌تر کند.

وقتی شما برای خود حریمی قائل باشید چه در نگاه و چه در پوشش و کلام و حفظ فاصله‌ها برخوردی که در جامعه آکادمیک با شما خواهد شد صرفاً علمی است ولی وقتی این حریم‌ها شکسته شود معلوم نیست چه قدر این برخورد، برخورد جنسیتی خواهد بود و چه قدر این برخورد، برخورد علمی و این ممکن است در دراز مدت اشکال‌هایی برای شما به وجود بیاورد که خود را سانسور کنید.

نکته خاص در هویت زن ایرانی، حجاب است؛ رعایت حریم‌ها.

شما حتی وقتی به نقش برجسته‌های زمان شاپور ساسانی مراجعه می‌کنید می‌بینید که بانوان در زمان باستان هم پارچه‌های مستطیلی بلندی به سر داشته‌اند که راجع به زنان کهگیلویه و بویر احمد صدق می‌کند.

حجاب و حفظ حریم، پدیده‌ای است که ما در دوره‌های متأخر به شکل‌های گوناگون داشته‌ایم و زنان ایرانی سعی می‌کردند که حجاب خود را حفظ کنند.

مادربزرگ من می‌گفتند در زمان رضا شاه وقتی کشف حجاب شد من گاهی اوقات فقط برای استحمام و کارهای شخصی به بیرون از خانه می‌رفتم.

وقتی رضا شاه به شیراز می‌آید برای خانم‌های همه بزرگان شیراز بقچه‌یی از کلاه و دستکش می‌آورد.

و این نشان می‌دهد که در هر دوره‌یی خانم‌های ایرانی حداقل پوششی را داشته‌اند.

### قسمت ۲: «زنان در جامعه مهدوی»

در آموزه‌های دینی ما یکی از آرمان شهرهایی که تصویر می‌شود و آرزوی ما این است که به آن برسیم؛ بحث جامعه مهدوی تحت حکومت حضرت مهدی (عج) است.

اعتقاد به منجی آخرالزمان عقیده‌ای است که ایرانیان باستان به آن اعتقاد داشتند: در دوره مادها با وجود نبودن دین آسمانی آنچنانی ولی عقیده داشتند که در آخرالزمان شخصی به نام زردآسپه با ظهورش جهان را پر از عدالت می‌کند و در آموزه‌های زرتشت هم این دیدگاه دیده می‌شود.

در ایران بعد از اسلام عقیده به مهدویت و ظهور منجی از آموزه‌های مهم و اساسی است.

یکی از ویژگی‌های آرمان شهر مدنی با ظهور حضرت مهدی امنیت و راحت و کنار هم زندگی کردن است و همه اقشار جامعه در هر سطوحی کنار هم زندگی می‌کنند و هر کسی با هر عقیده‌ای آزادی دارد و این آزادی در جهت پاکی و تهذیب هر فرد است.

زنان آن جامعه بسیار به حریم خصوصی خانواده و اعتقادات خود وفادار هستند و پاکی و عدم خیانت و توجه به اصول اساسی زندگی در آراء و سبک زندگی او مشاهده می‌شود.

ترسیمی که از زن در آرمان شهر می‌شود تصویری است که ما از چهره حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) می‌بینیم.

زنانی که در عین اعتقاد به حجاب، فریادها و اعتراض‌های سیاسی خود را دارند:

ماجرای فدک و دفاعیات حضرت فاطمه دفاعیات حضرت زینب در صحرای کربلا و سخنرانی ایشان در شامات در برابر لشکر یزید با اقتدار تمام.

همان طور که می‌دانید این دو بزرگوار از حقوق مالی خود هم دفاع می‌کنند

آن‌ها سخنرانی قراء، دارند که برون داد دانش فراوان این دو بزرگوار است؛ بنابراین وجود سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... دارند و در عین حال در خلوت با خداوند خود راز و نیاز و سلوک عرفانی دارند.

شخصیت این زنان بزرگوار دو بعد دارد که باید منصفانه به آن پرداخته شود:

۱: متقی بودن و رعایت حریم.

۲: قیام علیه ظلم و ستم و جور در جامعه.

باید بدانیم که حجاب و عفاف و حریم زن به این معنی نیست که در برابر ظلم و ستمی که در دستگاه حاکمه، یک محیط خاص، در مکانی که در آن کار می‌کند یا در خانه؛ سکوت کند و اعتراض نکند بلکه همه این موارد باید در کنار هم باشد و



# از کانون چه خبر؟

## بازگشایی دانشگاه

در خجسته روز آغاز امامت حضرت بقیت الله الاعظم (عج) وهمزمان با بازگشایی دانشگاه کانون مهدویت اقدام به تقدیم گلدان های رنگی مزین به جملات زیبا بعنوان عیدانه به نو ورودان دانشگاه وسایر دانشجویان نمود که با استقبال فراوانی از طرف مخاطبین همراه شد. همچنین گروه دف نوازی نیز به این مناسبت با اجرای قطعات زیبا بر شادی این روز عزیز افزودند.

فاطمه جاوید، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

اثبات یکی به معنی نفی دیگری نیست. باید به وجوه مختلف این قضیه فکر شود و بدانیم که می توان با رعایت حریم، اعتراض های سیاسی را بیان کرد اما لازمه این کار دریدن برخی حریم ها و مسائل نیست و به راحتی می توان در مورد همه چیز اعتراض کرد حتی در مورد خود حجاب که جزو اصلی و اساسی دین نیست و فقط به آن توصیه شده است ولی اعتراض ها نباید صرفاً همراه با زیر پا گذاشتن مقدسات در هر دین باشد و یا حریمی را بشکند و اعتقادات را از بین ببرد.

والسلام



## کارگاه ادبی یادواره بوی سب حرم

آینه شدی تا که خدا در تو درخشید  
خورشید ترین حادثه ها در تو درخشید  
ای معجزه سرخ به ایثار تو سوگند  
تو خون خدایی که خدا در تو درخشید  
یادواره بوی سب حرم، رویداد بین المللی است که هر ساله توسط دانشگاه شیراز برگزار می شود.  
کانون مهدویت با برگزاری کارگاه ادبی این یادواره حضور فعالانه و نقش موثری در بخش ادبی این یادواره ایفا کرد.  
در این رویداد جناب آقای دکتر غلامرضا کافی در یک جلسه آموزش و در دو جلسه خوانش و تصحیح شعرها را مدیریت کردند.  
محفل ادبی یک هفته پس از کارگاه برگزار شد.

نرجس کیانیان راد، دانشجوی کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی



## سه شنبه مهدوی با حضور شهید گمنام

در خاک پاک وطن با عشق به مهدی (عج)  
نام و نشانی گم ولی در قلبها جاودان  
کانون مهدویت دانشگاه شیراز به نیت تعجیل امر فرج امام عصر (عج)، اقامه عزای فاطمی (سلام الله علیها) سه شنبه مهدوی با حضور شهید گمنام برگزار کرد. این برنامه در پارکینگ روبروی معاونت دانشجویی، موكب خانه مادری برگزار شد.  
حال و هوای عالی داشت، استقبال دانشجویان خوب بود. ابتدا پذیرای چایی و شکلات صورت گرفت. بعد خود بچه ها نذری داشتند:  
حلاوا و هم اینبات و هم بیسکویت و هم چایی پخش کردند.  
سپس شهید گمنام را آوردند و مراسم استقبال و گل آرایی شروع شد همه زیارت کردند و شهدا را بردند. بعد عدسی و نان خدمت همه عزیزان به عنوان شام داده شد.

عاطفه عمیقی زاده، دانشجوی ارشد ریاضیات و کاربرد ها گرایش آنالیز دانشگاه شیراز



## موکب حبیب

کانون مهدویت دانشگاه شیراز در روز سه شنبه چهاردهم شهریور ماه سال ۱۴۰۲ موکب حبیب را با همکاری کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز برگزار کرد. در این برنامه علاوه بر پذیرایی از مهمانان، سنج و دمام زنی پر شوری اجرا شد. این برنامه مورد استقبال افراد زیادی قرار گرفت.

حسین رحمانی پیروز، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی نفت دانشگاه شیراز



## حضور در رویداد پنجره

پنجره رویدادی است که هر ساله توسط معاونت فرهنگی دانشگاه اجرا می شود و همه کانون ها و تشکل ها و شورای اسلامی خوابگاه حضور دارند. کانون مهدویت با حضور فعالانه و قدرتمند خود در نمایشگاه پنجره، توانست کانون برتر بین تمامی غرفه ها شود. در این نمایشگاه با ارائه رزق معنوی، هدیه، مسابقه، جذب نیروی انسانی و ... کانون مهدویت خوش درخشید.

حسین رحمانی پیروز، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی نفت دانشگاه شیراز



بامادر کرتباطاشید



اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي الْفَرَجَ

